



GRIZZLY`S MONDAYS

November 8 / 2021



Two men are sitting in front of a famous graffiti of British street artist Banksy, painted on a wall of a gas station in the West Bank city of Bethlehem

**PEACE
LOVE
BITCOIN**

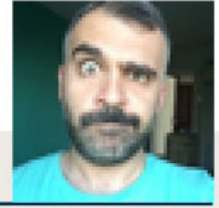


فهرست



| | |
|---|----|
| طنز کوتاه: | ۰۱ |
| ما میمون‌های تکامل یافته | |
| یادداشت هفته: | ۰۲ |
| روایت بیتکوین ماکسیمالیست‌ها از فضای شتکوین‌ها | |
| اخبار مهم در هفته‌ای که گذشت | ۰۷ |
| تحلیل تکنیکال بیتکوین | ۱۱ |
| معاملات آپشن | ۱۳ |
| سرگذشت یک ماینر | ۱۶ |
| چرخه‌های مارکت | ۲۰ |
| مالکیت اشتراکی NFT | ۲۳ |
| ریسک در بازارهای مالی؛ معتادان به ریسک - قسمت اول | ۲۵ |
| نحوه بررسی فاندمنتال پروژه‌ها | ۲۹ |
| واکاوی اقتصاد بازی Star Atlas - قسمت سوم | ۳۲ |





طنز کوتاه:

ما میمون‌های تکامل یافته

حمزه / @HamzeAsh

دست‌هاش اگر به راه رفتن روی دو پا ادامه می‌داد، از شاخه بلندتری پرت می‌شد تا دست‌هاش بشکند؛ عمری رو با دست‌های شکسته زندگی کرد و با دست‌های شکسته مرد. این، تاوان گناه روی دو پا راه رفتن بود.

به باور من شاید قصه میمون قصه ما، بارها و بارها در تاریخ تکرار شد. اما شاید تمام میمون‌هایی که از شاخه‌ها پرتاب شدند، مانند مسیح به صلیب قبیله دست‌هاشون، همچون ساتوشی مخفی شدند؛ پیامبرانی بودند که به شعوری رسیدند که شعور درکش هنوز در قبیله وجود نداشت. حالا با گذشت هزاره‌ها، اما ما هنوز هم دست و پای میمون‌های ایستاده بر روی دو پا رو با اجماع می‌شکنیم چون به باور چهار دست‌وپا راه رفتن میمون‌ها ایمن داریم. بیاید ما به‌عنوان میمون‌هایی تکامل‌یافته، تکامل‌یافته‌تر رفتار کنیم و در قبیله کوچکمان به میمون‌هایی که ایده جدیدی دارند یا ایده‌های دیگران رو گسترش می‌دهند، میمون‌هایی که تلوتلو می‌خورند تا سبک راه رفتن جدیدتری رو تجربه کنند، می‌آزمایند و خطا می‌کنند، می‌ایستند و زمین می‌خورند و به دانش جمعی این قبیله اضافه می‌کنند، هوشمندانه‌تر حمله کنیم. ء

صدها هزار یا شاید چندین میلیون سال قبل توی قبیله میمون‌ها، یه روز یه میمون از شاخه بلندی افتاد و جفت دست‌هاش شکست.

میمون دست‌شکسته چون نمی‌تونست با دست راه بره، پاشد و روی دوپا ایستاد. با اینکه سخت بود، اما مجبور بود. میمون‌ها اما ایستاده راه رفتن رو رفتار زشتی می‌دونستند. اصلاً چه معنی داشت یه میمون دست‌هاش تو هوا تاب بخوره؟ (حالا توموهاش تاب می‌خورد اشکال نداشت‌ها، ولی دست‌هاش نه!) اولش خودش هم خجالت می‌کشید؛ اما کم‌کم براش جذاب شد و چون عذر موجهی داشت، بقیه میمون‌ها هم کاری به کارش نداشتند.

گذشت و میمون قصه‌مون دست‌هاش خوب شد اما چیزی رو تجربه کرده بود که براش متفاوت و جذاب بود. پس شروع کرد به راه رفتن روی دو پا و متفاوت رفتار کردن.

قبیله‌ای که درک درستی از این تجربه نداشت اما، روی دو پا راه رفتن رو توهین تلقی می‌کرد. با اجماع و اتفاق نظر روی سرش ریختند و جفت دست‌های میمون قصه ما رو دوباره شکستند و مجبورش کردند که اگر می‌خواد روی دو پا راه بره، باید بهاش رو با شکسته شدن دست‌هاش پردازد.

میمون بینوا هر بار با خوب شدن

یادداشت هفته: روایت بیتکوین ماکسیمالیست‌ها از فضای شتکوین‌ها





بیتکوین را دیدند و شناختند. هدفش را که حذف امکان خیانت در امانت توسط بانک‌ها و سایر معتمدین بازار بود دیدند. قطعاً فلسفه و کارهایی که قبل از بیتکوین بود را دیده بودند؛ آزادی فردی که بیتکوین می‌تواند برای همه به ارمغان بیاورد! و در نهایت تصمیم گرفتند که از همه این‌ها فقط به یک بخش توجه کنند: «چون هنوز در محدوده خاکستری قوانین هستیم و دولت امکان مجازات ندارد و طمع جامعه را دربرگرفته ... می‌توان به همه و از همه راحت‌تر به مستأصل‌ترین‌ها، روغن مار فروخت» روایت‌ها یکی پس دیگری آمدند ... و البته که در ابتدا به‌خاطر کوچک و البته مطلع بودن جامعه هرکدام روایت بزرگی برای عرضه داشتند:

Name coin «شبکه اینترنت را از دست ICANN خلاص کنیم»
Light coin «سرعت و تعداد تراکنشها را در بیتکوین زیاد کنیم»

Ethereum «کامپیوتر جهانی توزیع شده ایجاد کنیم».

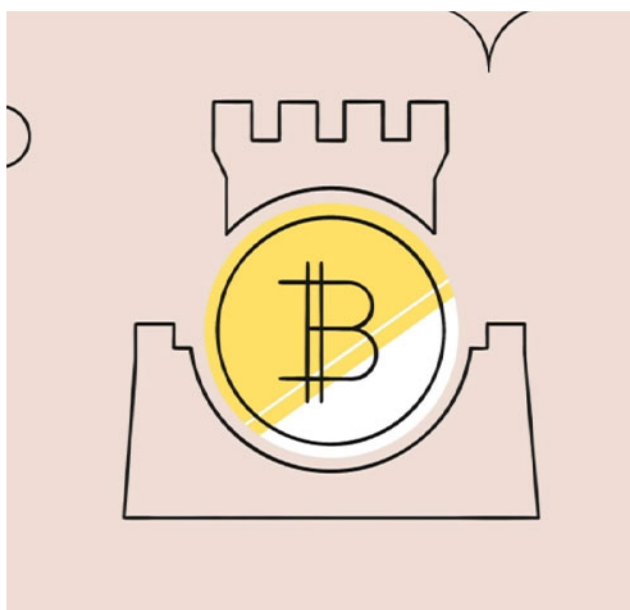
Byte Coin «حریم خصوصی بهتر داشته باشیم»

تب بلاکچین‌های جدید شروع شد و کسانی که توانستند روایتی برای بلاکچین‌شان بسازند شروع به ساخت بلاکچین کردند. البته که همه آن‌هایی که توانستند، تا جای ممکن از طریق پیش‌فروش کوین‌های از قبل ماین شده محصولی که هنوز شروع به کارنکرده بود سود کردند. چه ادعاهایی آمدند و رفتند و فقط تنها محصولشان پولی بود که کلاهبرداری کرده بودند. مدتی وضع به همین منوال گذشت تا اینکه جامعه بیتکوین روی خوشش را از همه محصولات پرادها برگرداند و همه را در یک دسته قرارداد؛ شتکوین.

دیگر از این به بعد به هر کوین جدیدی که ایجاد می‌شد با جمله «و باز یک شتکوین دیگر» حمله می‌شد.



قطعیاً فلسفه و کارهایی که قبل از بیتکوین بود را دیده بودند؛ آزادی فردی که بیتکوین می‌تواند برای همه به ارمغان بیاورد!



راه حل؟ توهم سود ایجاد کردن. تب Airdrop‌ها شروع شد.

در همین حین شایدان که متوجه نقطه نهایی هم‌گرایی طمع برای همگان بودند، بهترین سلاحشان را بیرون آوردند؛ سود. طرح‌های هرمی که در آن خرید توکن الف سودی از جنس توکن ب می‌دهد و خرید توکن ب سود از جنس توکن دال. طرح‌هایی که در آن‌ها دیگر بحث محدودیت دیجیتال معنی ندارد. دیگر بحث دنیای غیرمتمرکز نیست. دیگر اعتماد به کسانی که ممکن است در امانت خیانت کنند یک فرومایگی به حساب نمی‌آید. فقط و فقط بحث سود از سود مطرح است و تب DeFi شروع شد. آنچه من می‌گویم این نیست که همه ICO‌ها و همه airdrop‌ها و همه NFT‌ها و کل DeFi و همه بلاکچین‌های دیگر غیر از بیتکوین اشتباه و بد و نادرست و کلاهبردارند. آنچه می‌گویم این است که در فضایی که فاصله تصمیم یک کلاهبردار از تا ایجاد توکن چند دقیقه و کمتر از چند صد دلار است چرا همه کلاهبرداران عالم برای پول شما نقشه نکشیده باشند؟

این سرمنشأ ساخت کلمه «بیتکوین ماکسیمالیست» توسط ویتالیک در ۲۰۱۴ بود که می‌خواست با اتکا به اخلاقیات، راه مبارزه آزاد جامعه با شتکوین‌ها را ببندد. جامعه بیتکوین اما این صفت را پذیرفت در آغوش کشید و این وظیفه را بر خود فرض گرفت تا با روایات بی‌معنی بجنگد و مجبورشان کند که خودشان را اثبات کنند. از طرفی کسانی که تازه به امکانات این بازار برای سرکیسه کردن مردم پی برده بودند و طمع را در همگان می‌دیدند، متوجه شدند که دیگر حتی نیازی به ساختن یک بلاکچین از صفر و راه‌اندازی شبکه نیست. می‌توان آرزوی یک بلاکچین یا یک پروژه غیرمتمرکز را به شکل توکن بر بستر اتریوم فروخت.

تب ICO‌ها شروع شد. همه کسانی که می‌توانستند یک وایت پیپر سرهم کنند و روایتی برای توکن‌هایشان ساختند و تا جایی که توانستند کوین‌هایش را فروختند. شایدان حالا با رشد بازار و به تبع رشد طمع مردم دست بازتری داشتند. آن‌ها متوجه شده بودند که مردم روایت توکن‌ها را می‌خرند و حتی به وایت پیپر هم احتیاجی ندارند.

تب NFT‌ها و سیستم‌های برپایه آن مانند متاورس‌ها شروع شد. دیگر حتی وایت پیپر نیازی نبود. فقط باید پارامترهایی که طمع مردم را درست نشانه برونند بهینه می‌شد. مانند قرارداد با سلبریتی‌های شناخته شده برای معرفی کردن پلتفرم NFT موردنظر. اعطای زمین و باغ و ویلا در متاورس موردنظر به یک نام شناخته شده. ICO‌ها اما بعد از مدتی چون توان تولید محصول ادعایی را نداشتند ارزش اولیت‌هاشان را از دست می‌دادند.

یادداشت هفته:
روایت بیتکوین
ماکسیمالیست‌ها
از فضای شتکوین‌ها



در فضایی که تولید توکن هیچ قانون‌گذاری ندارد و امکان بازی با چارت به لطف توکن‌های تولید شده از هیچ و اکسچنج‌های غیرمتمرکز ممکن است چرا همه کلاهبرداران عالم باید کنار بنشینند و با چارتی که جلوی چشم شماست به نفع خودشان بازی نکنند؟ بدبین بودن نسبت به همه چیز و همه‌کس در این فضا تنها راه نجات شماست. پروژه خوب خودش را نشان خواهد داد چه شما به آن حمله کنید چه نکنید. اما پروژه‌های بد و کلاهبرداران هستند که همیشه پشت جملات «متعصب نباشید» و «زمان بدهید تا اشتباهاتشان را بر طرف کنند» پنهان خواهند شد. بیتکوین یک کد نیست بلکه یک شبکه است که مهم‌ترین بخش آن انسان‌هایی است که به آزادی فردی خودشان و دیگران معتقدند. خیلی چیزها ممکن است شبیه بیتکوین به نظر بیایند اما به قول حافظ:

نه هر که طرف کله کج نهاد و تند نشست / کلاه داری و آیین سروری داند



If You Want To Donate Us



LNURL1DP68GURN8GHJ7MR9VA
JKUEPWD3HXY6T5WVHXXMMD9
AKXUATJD3CZ7CTSDYHHVVF0D3
H82UNV9UUNGWG7TSHAU

BTC
(Lightning)



BNB
(bep20)



USDT
(Trc20)



TOMO



XRP



Dogecoin



TRX





سرمایه‌گذاری ۱ میلیارد دلاری گوگل در
بورس کالای شیکاگو (CME)

تصویب لایحه زیر ساخت ۱.۲ تریلیون دلاری
توسط مجلس نمایندگان آمریکا

بایننس حساب‌های توسعه‌دهندگان توکن
Squid Game را در لیست سیاه خود قرار
داد.

اکوسیستم پولکادوت با اولین پاراچینی که به شبکه آن اضافه شد به گسترش خود ادامه می‌دهد. شل پس از رای گیری در رفراندوم ۴۱ اکنون به عنوان پاراچین پولکادوت ثبت شده است. این می‌تواند آغازی باشد برای استفاده از شبکه Polkadot توسط شرکت‌های سراسر جهان.

مجلس ایالات متحده لایحه زیرساخت ۱ تریلیون دلاری را با مالیات کریپتو برای تایید بایدن تصویب کرد.

تحلیلگران جی پی مورگان با چشم انداز صعودی بیتکوین، ارزش منصفانه اتریوم را ۱۵۰۰ دلار اعلام کردند.

اسکوئر انیکس خالق «فاینال فانتزی» پس از فروش اولین NFTهای اتریوم خود در ژاپن، قصد دارد تلاش‌های خود در زمینه بلاکچین را افزایش دهد.

آلفابت، شرکت مادر گوگل، یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در گروه بورس کالای شیکاگو انجام داده است.

کیف پول Native سولانا، Phantom، با افزایش محبوبیت بلاکچین Solana به بیش از یک میلیون کاربر فعال رسیده است.

ایلان ماسک به کاربران توئیتر اجازه داد تا درباره سرنوشت تقریباً ۲۵ میلیارد دلاری سهام تسلا تصمیم بگیرند، ایلان ماسک در حال بررسی فروش ۲۵ میلیارد دلاری سهام تسلا است. مایکل سیلور از او خواست که بیتکوین بخرد.

کمپانی Bakkt Holdings، یکی از معتبرترین و شناخته‌شده‌ترین شرکت‌های مدیریت دارایی دیجیتال در بازار رمزارزها، به مشتریان خود اجازه می‌دهد تا اتریوم (ETH)، دومین رمزارز بزرگ جهان، از نظر ارزش بازار، را در اختیار داشته باشند.

معاون فدرال برزیل به دنبال قانون جدیدی است که به همه کارگران برزیلی اجازه می‌دهد تا گزینه‌ای برای درخواست کارفرمایان برای دریافت دستمزد به وسیله رمزارزها داشته باشند.

به گزارش سیویک ساینس، برخی از آمریکایی‌ها آن قدر از سرمایه‌گذاری دارایی‌های دیجیتال درآمد کسب کرده‌اند که شغل خود را رها کرده‌اند.

تحلیلگر کریپتو، الکس کروگر، قیمت بیتکوین را برای پایان سال ۲۰۲۱ مبلغی بیش از ۱۰۰ هزار دلار پیش‌بینی می‌کند و می‌گوید بیتکوین ۱ میلیون دلاری در بلندمدت اجتناب ناپذیر است.



در صورت قانونی شدن رمزارز، دومین شرکت ارزشمند فناوری اطلاعات هند - Paytm - ممکن است معاملات بیتکوین را راهاندازی کند.

اریک آدامز، شهردار منتخب نیویورک گفت که می‌خواهد ببیند چه چیزی مانع رشد بیتکوین و رمزارزها در این شهر می‌شود.



شرکت Grayscale اعلام کرده است که Terra و Avalanche را به دارایی‌های تحت بررسی خود اضافه کرده است.

کریستوفر وود با کاهش دارایی طلای خود، وزن بیتکوین را در پرتفوی خود افزایش داده است.

صندوق بیتکوین Grayscale احتمالاً در ۲۴ دسامبر به ETF تبدیل می‌شود.

بایننس حساب‌های توسعه‌دهندگان توکن Squid Game را در لیست سیاه خود قرار داد.

رئیس بانک مرکزی کانادا می‌گوید: بیتکوین یک ارز دیجیتال نیست، مردم آن را خرج نمی‌کنند.

انجین می‌خواهد متاورس غیرمتمرکز خود را با سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیون دلاری ایجاد کند.

اپ استور کیف پول رمزنگاری TokenPocket را پس از شکایت پی‌پال حذف می‌کند.



CryptoQuant

«هدف ما کاستن موانع تصمیم‌گیری بر پایه داده،
در زمینه سرمایه‌گذاری است»

Ho Chan Chung | Head of Marketing at CryptoQuant

مدیر روابط عمومی کریپتوکوانت



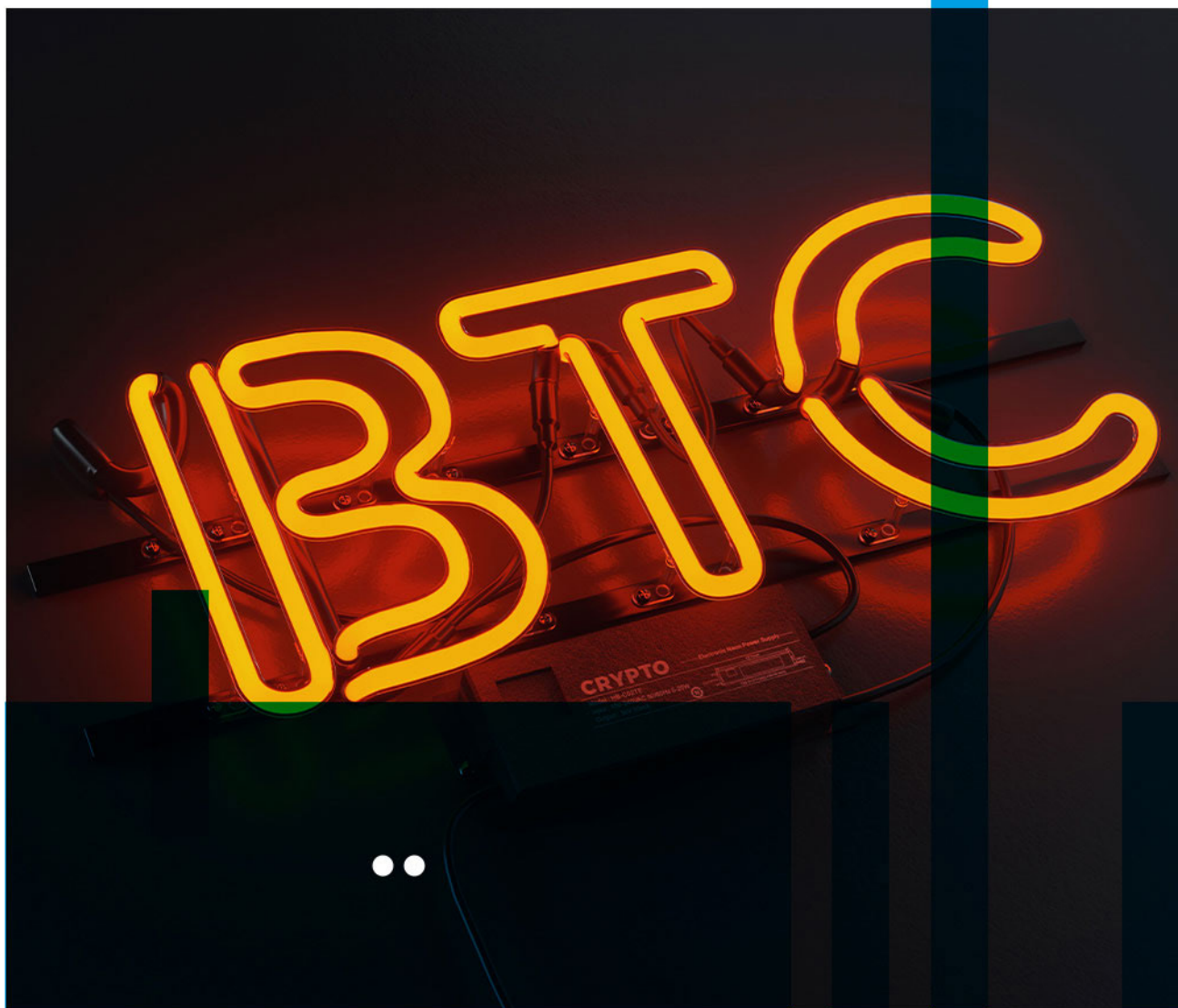
  @cryptoquant_fa

Live Charts: cryptoquant.com

تحليل تکنیکال بیتکوین

11

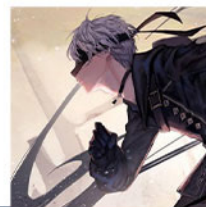
GRIZZLY'S MONDAYS
November 8 / 2021



OPEN : 60450
HIGH : 64250
LOW : 59400
CLOSE : 61940

تحلیل تکنیکال بیتکوین

امیر / @Amir_Cryptotr



تایم فریم هفتگی:

از ۲ فیبوی ماژور، یکی در موج نزولی ۲۰۱۸ و دیگری در موج نزولی ۲۰۱۹ منتهی به ریزش کرونا برای تحلیل استفاده می‌کنیم. کلاستر فیبو بهما نشان می‌دهد ناحیه بسیار پر فشار بین ۵۲ و ۶۴ هزار پیشروی قیمت را محدود کرده و رشد تنها هنگامی میسر است که یک کلوز کندل هفتگی در بالای محدوده ۶۴ هزار داشته باشیم. در صورت رخداد این اتفاق، پیشروی قیمت تا کلاستر فیبوی بعدی (محدوده ۱۱۶-۱۳۰ هزار) در هفته‌های آتی قابل انتظار خواهد بود.

WEEKLY
WEEKLY

تایم فریم روزانه:

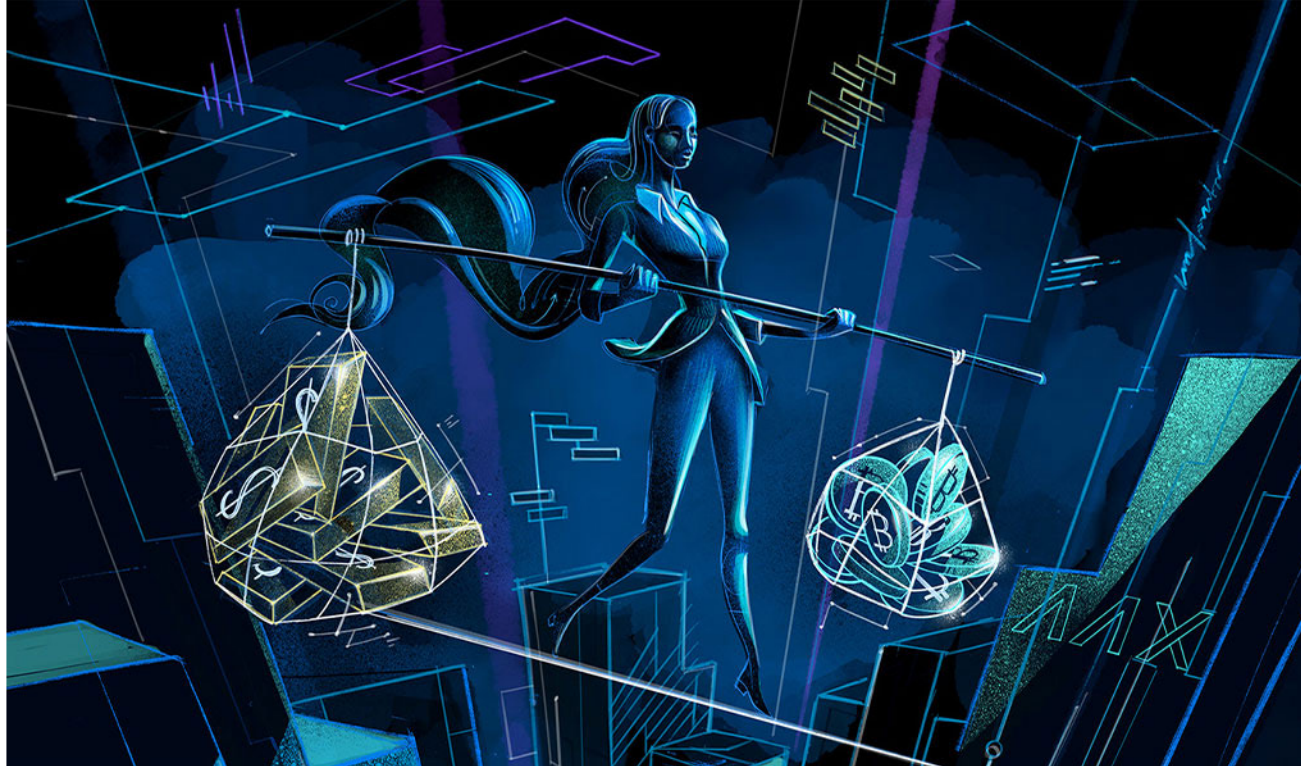
قیمت بیتکوین در یک کانال ۴ ماهه معتبر در حال حرکت است و واکنش‌های مناسبی به سقف، کف و میدلاین کانال نشان داده است. در حال حاضر قیمت با حمایت میدلاین کانال درگیر است و در صورت شکست این ناحیه، احتمالاً یک اصلاح به محدوده ۵۲-۵۴ هزار خواهیم داشت. در این صورت الگوی Bullish flag نیز که از محدوده ۴۱ هزار آغاز شده است، با شکست سقف پرچم می‌تواند وارد فاز سوم حرکتی خود شود که تارگت ۷۴ هزار را به ما خواهد داد.

DAILY
DAILY

تایم فریم ۴H:

در این تایم فریم قیمت بیتکوین در یک محدوده فشردگی مثلثی در حال حرکت است. در صورت شکست تریزند سقف، قیمت برای تست محدوده ATH دست به کار خواهد شد. اما در صورتی ناموفق بودن، مثلث به پایین شکسته خواهد شد و اصلاح تا نواحی ۵۲-۵۴ هزار دور از انتظار نخواهد بود.

4 HOURS
4 HOURS

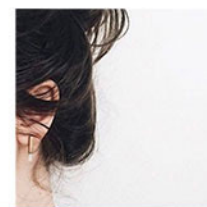


و در مورد اختیار خرید (call option) هر قراردادی که قیمت اعمال آن از قیمت دارایی پایه در اسپات بیشتر باشد.

- قرارداد اختیار معامله در سود (In-the-money) ITM در مورد اختیار خرید، هر قراردادی که قیمت اعمال آن از قیمت دارایی پایه کمتر باشد و در مورد اختیار فروش، هر قراردادی که قیمت اعمال آن از قیمت دارایی پایه بیشتر باشد.

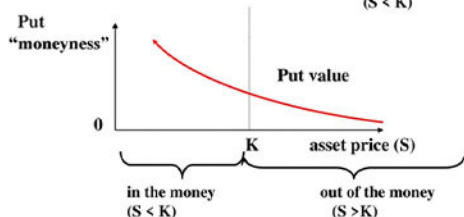
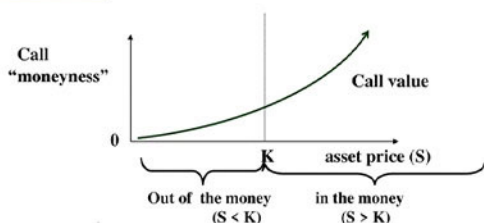
معاملات آپشن

ندا / @N_E_D_A



در این شماره از هفته‌نامه ابتدا به بررسی وضعیت مالی قراردادهای آپشن (Moneyness) می‌پردازم و سپس روند آتی بازار را از نگاه معامله‌گران آپشن برای اتریوم بررسی می‌کنم. در ادامه مباحث آموزشی هفته‌های قبل می‌توان گفت انواع قرارداد آپشن از نظر وضعیت سود یا زیان به صورت زیر است:

"Moneyness"

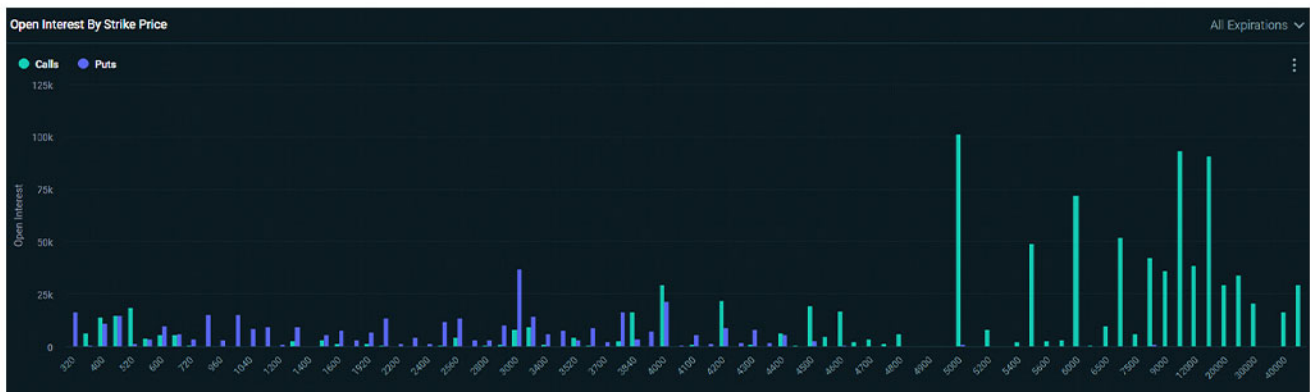


- قرارداد اختیار معامله بی‌تفاوت (At-the-money contract) ATM قرارداد اختیار معامله‌ای است که در آن قیمت اعمال (strike price) با قیمت دارایی پایه برابر باشد.

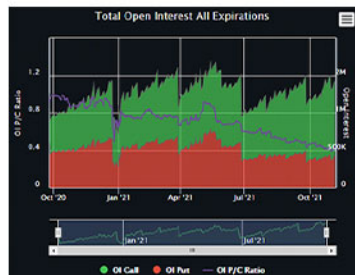
- قرارداد اختیار معامله در زیان (Out-of-the-money contract) OTM در مورد قرارداد اختیار فروش (put option) می‌توان گفت هر قراردادی که قیمت اعمال آن از قیمت دارایی پایه کمتر باشد

همان‌طور که در قسمت‌های قبل گفته شد معامله‌گران آپشن در قراردادهای معامله شده معاملات کال بیشتری را نسبت به پوت انجام داده‌اند به‌خصوص در قیمت‌های اعمال بالاتر از قیمت کنونی اتریوم که همین امر باعث ایجاد خوش بینی معامله‌گران آپشن به آینده روند بازار شده است.

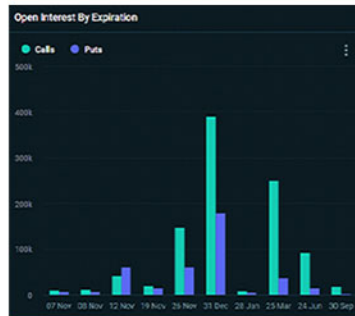
درست است که در استراتژی‌های معاملاتی، معامله‌گران آپشن از پوت در استراتژی‌های صعودی و از کال در استراتژی نزولی نیز استفاده می‌کنند اما نکته مهم حجم بالای کال‌های معامله شده می‌باشد. نمودار زیر پوت و کال را بدون در نظر گرفتن تاریخ سررسید و فقط با در نظر گرفتن قیمت اعمال (strike price) برای اتریوم نشان داده است که مطلب گفته شده را تأیید می‌کند.



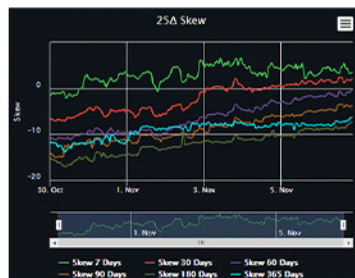
با در نظر گرفتن نسبت P/C برای اتریوم مشاهده می‌کنید که این نسبت در کمترین مقدار خود در بازه زمانی نشان داده شده قرار دارد.



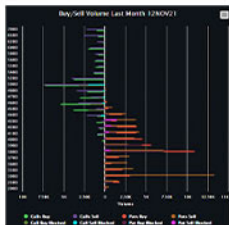
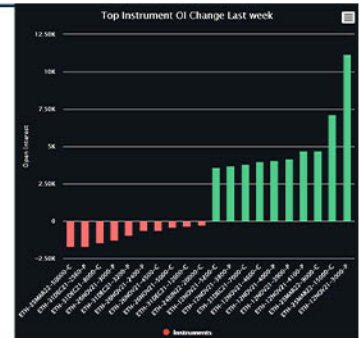
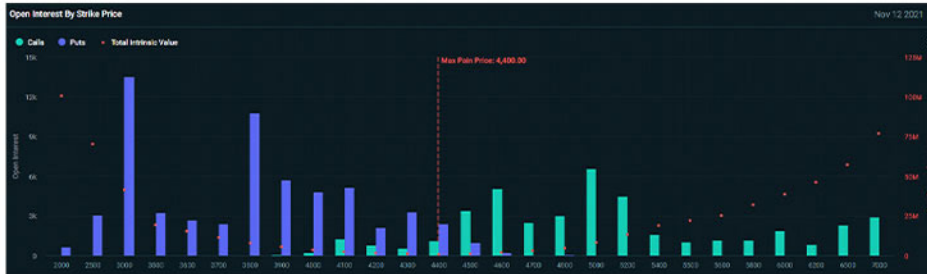
اگر به سررسیدهای معاملات آپشن اتریوم نگاه بیندازیم از آنجایی که open interest برای سررسید ۳۱ دسامبر بسیار بالاست در نتیجه این سررسید از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. با توجه به نمودار، ۲۶ نوامبر نیز اهمیت زیادی دارد.



با نگاهی به ۲۵ d skew می‌بینیم که معامله‌گران آپشن طی روزهای گذشته به سمت معاملات پوت روی آورده‌اند. به نظر می‌رسد با کاهش قیمت در بازار اسپات، هدف از انجام این معاملات هج کردن در برابر ریزش احتمالی در بازار باشد. اما دیتاهای بلندمدت همچنان نگرانی خاصی ندارد و روند صعودی برای اتریوم را نشان می‌دهد.

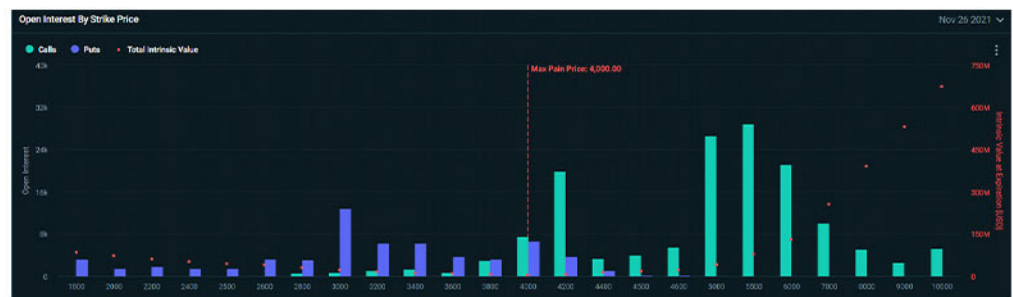
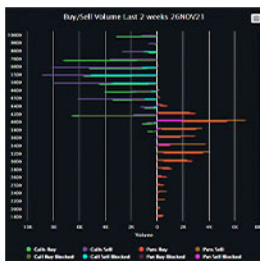


معاملات انجام شده طی هفته گذشته برای اتریوم نیز نشان می‌دهد معامله‌گران آپشن قصد بیمه کردن پورتفو خود را در ماه نوامبر دارند.



با نگاهی به سررسید ۱۲ نوامبر برای اتریوم حجم بالای پوت‌های معامله شده در قیمت اعمال ۳۰۰۰ دلار جلب توجه می‌کند. با بررسی دقیق‌تر دیتاها به نظر می‌رسد معامله‌گران آپشن ۳۰۰۰ را به عنوان حمایت و ۵۰۰۰ را همچنان به عنوان مقاومت می‌بینند.

در مورد ۲۶ نوامبر نیز به نظر می‌رسد معامله‌گران آپشن اتریوم همانند بیتکوین دودسته شده‌اند. عده‌ای انتظار افزایش قیمت بالای ۵۰۰۰ دلار را دارند اما عده‌ای همچنان این قیمت اعمال را به عنوان یک مقاومت می‌بینند. نه فقط نمودارها بلکه شبیه‌سازی و ردیابی معاملات انجام شده به خصوص آن‌هایی که حجم شاخصی را معامله کرده‌اند این دودستگی را نشان می‌دهد. بهتر است در این‌گونه موارد که احتمال نوسان در دو جهت بالا می‌رود از بازکردن پوزیشن در هر دو جهت خودداری شود.



در آخر می‌توان گفت برای اتریوم در ماه‌های آتی خوش‌بینی از طرف معامله‌گران آپشن وجود دارد و قیمت‌های بالاتری را در نظر گرفته‌اند. اما باید در نظر گرفت که در بازارهای مالی قطعیت وجود ندارد و مطالب گفته شده صرفاً دیدگاه معامله‌گران آپشن را بیان می‌کند.



و هیچ وقت هم سرمایه‌ای نداشتم که بتونم سنگین شروع کنم. رفتم تو گروه‌های ماینینگ عضو شدم و با اطلاعات مسیح و اطلاعات نیم بند خودم، کم کم سوالات ملت رو جواب دادن، شروع کردم. به خودم گفتم باید یه گروه بزنم و آدما رو بکشم اونجا، اون موقع تلگرام فیلتر نبود و بهترین سوشیال برای کامیونیتی ایرانی کریپتو و بیتکوین بود، یه گروه زدم و از اونجایی که همیشه کلمه ویرا رو دوست داشتم اسمش رو گذاشتم "ویراماینر" بعد از اسم ویراماینر برای خودمون استفاده کردیم و گروه تا ۳ هزار نفر هم رسید. من از بچگی عاشق بازار کامپیوتر بودم. بوی نویی قطعات کامپیوتر منو مست می‌کرد. ۱۷ سالم بود پشت بازار رضا دفتر اسمبل کامپیوتر و نصب ویندوز داشتم.

سرگذشت یک ماینر

امید علوی / @OMIDSHINOBI



همه چیز از اینجا شروع شد، تصمیم من برا جمع کردن کسب و کار ساختمونی و شروع فعالیتیم در ماینینگ. قبلشو براتون نمی‌گم حوصلتون سر نره ولی در همین حد بدونید که ۲۷-۲۸ تا شغل قبلش عوض کرده بودم (خیلی هم تجربه باحالی بود) و تصمیم داشتم اگه تغییر شغل میدم خیلی با دقت این کارو بکنم.

من اینجا در حال بازسازی ساختمان‌های بانک مرکزی تو سه راه ضرابخونه بودم ولی وقتی کوچک‌ترین فرصتی پیدا می‌کردم در مورد بیتکوین، اتریوم و ماینینگشون می‌خوندم.

یه چیزی داشت منو می‌کشید تو این راه و هی بهم می‌گفت جای اشتباهی ایستادی و نباید وقت رو تلف کنی، حس می‌کردم یه قطار داره آرام آرام حرکت می‌کنه و من باید بپریم توش.

ته یه بولوار به علی(شریکم) گفتم اگه این شرکتی که سه ساله راه انداختیم رو ببندیم و بریم سروقت یه کار دیگه، حضری باهام بیای؟ یکم تعجب کرد و فکر کرد، گفت تو بگی آره!

برای منی که تو اون سه سال داشتم خودم رو ریکاوری می‌کردم از اولد (OLD) امید به نیو (NEW) امید تصمیم خیلی خاصی بود.

من یه زندگی رو پشت سر گذاشته بودم داشتم پوست می‌نداختم، چه هیجانی بالاتر از دنیای بیتکوین و غیرمتمرکز؟

اون موقع ها مسیح تو اتاقش یه مادربورد و یه کارت گرافیک داشت. اونم تازه با فشارای من، باید از یه جایی شروع می‌کردم. تصمیم گرفتم کل پولی که داشتیم، (۱۰) میلیون تومن پول پیش خونه مشترکی سه تا داداشی، رو بدیم و ریگ جمع کنیم، به مسیح فشار آوردم و کلی روحیه دادم که این کارو بکنیم و اولین ریگ رو جمع کردیم. خیلی سریع کارو بارای بازسازی رو جمع و جور کردم و تو دفتر یکی از دوستانم تو میدون مادر یه اتاق ازش گرفتم، پول اجاره نداشتم

برای همین خیلی زود تونستم دوستای قدیمی خودمو پیدا کنم و قیمتای خوبی برای کارت گرافیک، رم، سی پی یو و ... به مشتریها بدم.

مسیح ریگ کانفیگ می‌کرد، من هی مشتری می‌گرفتم و علی کارای مالی رو می‌کرد. مسیح مغز داستان بود، علی قلبش و من یه بدن و فیس، ترکیبمون عالی بود. بعد سه چهار ماه از همه زدیم بالا و تونستیم اسم در کنیم، رقابت جالبی بود. همه چیز با سرعت

جلو میرفت هرچی جلوتر می‌رفتیم من نگران ورود دولت و قانون‌گذاری این حوزه رو داشتم.

برای همین هیچوقت برای خودمون فارم نزدیم و برای ملت فارم راه‌اندازی و نگهداری می‌کردیم.

من تجربه VOD و قانون‌گذاری تلویزیون‌های اینترنتی رو از ۵-۶ سال پیش داشتم، برای همین

همیشه به علی و مسیح می‌گفتم ما نمی‌تونیم قطور بشیم ولی می‌تونیم اون‌قدر بریم بالا که

وقتی سرمایه‌های بزرگ میان، مارو ببینن و به عنوان شریکای تجاریشن انتخاب کنن، و این اتفاق هم سال ۹۹ با شراکت با مکس افتاد.

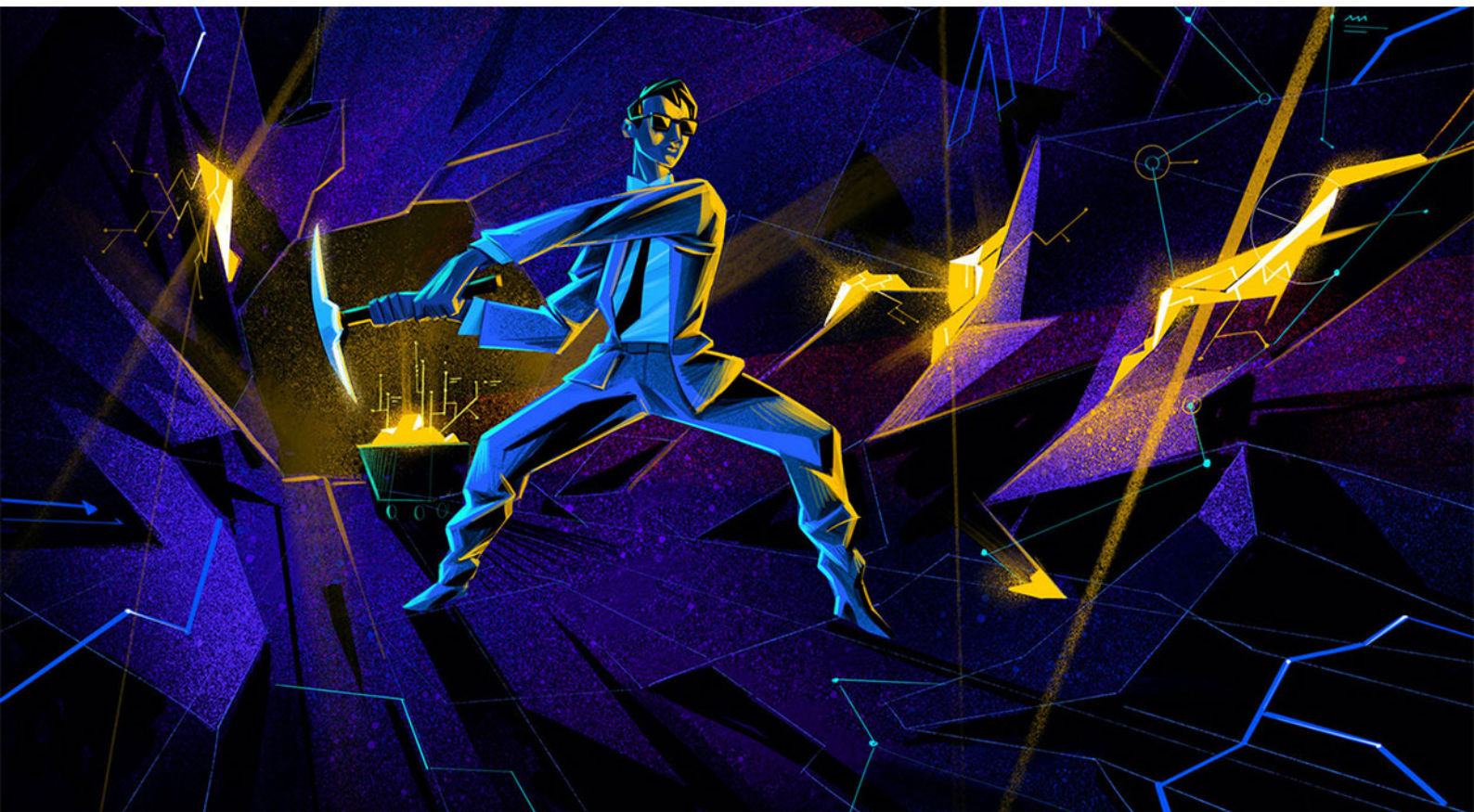
سال ۹۷ و ۹۸ ما کلا با خارجی‌ها کار می‌کردیم و مشتری‌های هاستینگ‌مون اروپایی و چینی و روس بودن. آینده خیلی روشن و درخشان بود تا اینکه تابستون ۹۸ زمزمه‌های قانون

گذاری و بگیر و ببند شروع شد، همون موقع بود که من تصمیم گرفتم هرچه سریع‌تر خودمو به آقایون برسونم تا بتونم تلاش کنم این حوزه رو درست و بهتر درک کنن.

کامران تازه سربازیش تموم شده بود و انرژی و استعدادش تو الکترونیک منو قلقلک میداد که این آدم زلال رو هرجوری شده بیارم پیش خودم. برای همین تا بحث فرستادن یه نفر

به چین برای دوره تعمیرات مطرح شد من کامران رو پیشنهاد دادم و کامی رفت و ما بعدش تعمیرات و شرکت "هشبان" رو راه انداختیم.

مسیح مغز داستان بود، علی قلبش و من یه بدن و فیس، ترکیبمون عالی بود. بعد سه چهار ماه از همه زدیم بالا و تونستیم اسم در کنیم، رقابت جالبی بود.



شما فکر کنید ابتدای راه سال ۹۶ ما ۳ نفر بودیم که شروع کرده بودیم ولی خیلی زود حدودا ۱۲۱۰ نفر شده بودیم و فکر اینکه یه وقت اینا آلاخون والاخون بشن منو راحت نمی‌داشت، تمام تلاشم حفظ این کسب و کار و پیشرفت بود. اون موقع به هاب ماینینگ شدن ایران و ظرفیت‌هاش فکر می‌کردم. وضعیت جوری بود خارجی‌ها فقط سر مصاحبه ما با "نیویورک تایمز" اومده بودن ایران که باهامون کار کنن. دنیا تشنه کار تو ایران بود. راستی یادم رفت آشناییم با داداشی جدید رو تعریف کنم.

زمستون ۹۷ یکی از بچه‌ها گفت بیاین تو دفتر یه پسر به نام کاوه (مشناق) جمع بشیم. بچه‌های دیگه هم میان و می‌خوایم در مورد مسائل آموزشی و این چیزا صحبت کنیم. بهم می‌گفت یه پسر ترسناکم اونجا هست حواست باشه بهت نزدیک نشه! گفتم خوب اسمش چیه؟ گفت ضیا خیلی ادعا داره و ... ما هم رفتیم و برام خیلی جالب بود؛ اونایی که یادم میاد فکر کنم مسیح و کاوه و رضا نورمحمدی و دانیال و چندتا دیگه بودن. از اونجا که من یه ماینری بودم که سرم تو کار خودم بود، با یه گوشه کوچیک و قوی کامیونیتی آشنا شدم. همه حرف زدن و آرزو بافتیم که بینکوین رو چجوری ترویج بدیم، چیستی و چرایی و چگونه رو طرح کنیم تا اینکه ضیا زد تو پرمون و گفت پولش کجاس؟؟؟ اون بابام یه نیشگون منو گرفت و گفت دیدی گفتم؟ ولی من منطقی‌ترین حرفی که شنیدم از دهن این بچه بود. پرو و محکم! و جذبم کرد. رفتم تو نخش. دو سه بار دیگه دیدمش ولی این

دوستم نمی‌گذاشت باهاش گرم بگیرم و منم که تخس، تو یه کافه، که اتفاقا یاشارم فکر کنم اولین بار اونجا دیدم، دور هم جمع شده بودیم و یه بابایی از لاتویا اومده بود. داشتیم در مورد کامیونیتی کشورهای دیگه صحبت می‌کردم. این دوست من فشار آورد که من می‌خوام برم توهم بیا بریم، کلا دوست نداشت من با بقیه خیلی کانکشن بگیرم. ولی خوب من پروتر از این حرفام. دور میدون ولیعصر که باهاش خداحافظی کردم و فکر کرد من رفتم برگشتم و تو کافه با بچه‌ها نشستیم تا آخرش رسید، با ضیا اومدم تا دور میدون و بهش گفتم چیکاره‌ای؟ گفت باید برم خونه، گفتم با خانواده زندگی می‌کنی؟ گفت نه با دوستام سمت رسالت، گفتم عه چه جالب منم با برادرم زندگی می‌کنم و چهارشنبه‌ها ماکارونی می‌خوریم و امشب هم چهارشنبه‌اس، میای؟ گفت آره! از اونجا بود که دیگه رفاقت من با ضیا شروع شد.

خوب برگردیم سر ادامه داستان. تابستون ۹۸ جهنم بود، ماینرا رو یکی یکی می‌گرفتن و قلع و قمع می‌کردن. اون موقع‌ها ما یه فارم جدید تو نیروگاه زده بودیم و داشتیم همه سرمایه خودمون رو می‌ریختیم تو اون فارم.

۷ مگاوات فاز اول ۱۴ مگاوات فاز دوم. من ۳-۴ ماه بدون یک روز استراحت و تعطیلی کار کرده بودم. از اسفند تا خرداد!! فکرشو بکنید من ۲ فروردین داشتم کانتینر می‌ساختم که بتونیم خرداد روشن کنیم. تو تمام این مدت دلهره بگیر بیندا منو ول نمی‌کرد و خبرای بدم اعصاب نداشته بود. تا اینکه ۲ شهریور ۹۸ ضابطین فارم رو پلمپ کردن و دوران سخت ماینینگ ایران شروع شد.

فکر کنید این کشور با این همه پتانسیل انرژی و منابع انسانی می‌تونست سهم خیلی زیادی تو شبکه داشته باشه، ولی تو کل همین دو سال بالای ۳۰۰ مگاوات ماینینگ قانونی گیر کرد.

من تو این دو سال دولت و حاکمیت رو زیرو رو کردم با هرکسی تونستم صحبت کردم تا این مشکل عدم درک درست این مسئولین حل بشه، نشد که نشد. این‌ها همیشه به بخش خصوصی نگاه دزد و سو استفاده‌چی دارن. آدم‌هایی رو تو ادارات و وزارتخانه‌های دولتی دیدم که افتخارشون نابود کردن ظرفیت‌های بخش خصوصی و بابت این تشویق و ترفیع گرفته بودن. من تو همین دو سالی که وقت گذاشتم کشور از این نعمت بهره‌مند بشه و قوانین درست توش وضع بشه آدم‌هایی رو دیدم، مثل بهرام خان، که با تبلیغ هاستینگ و هش فروشی، ۳۰۰ بیتکوین تو ۶ ماه به جیب زده بودن. امروز حدود ۵۰-۶۰ نفر همکار دارم که مستقیم زندگیشون به تصمیمات من وابسته‌اس، شب‌ها از شدت فکر با زور خستگی می‌خوابم، میزان آرزو بافی‌هام کم شده ولی به آینده خودم خوشبینم؛ اما آینده این کشور برام مه آلوده. من به عنوان یه کارآفرین خسته شدم که می‌بینم خلاف و بی‌قانونی سودمندتر و راحت‌تر از کار قانونی و سالم کار کردنه، پدر و مادر من کارمند بودن ولی من زندگی آروم و کم تلاطم کارمندی رو نخواستم، من همیشه می‌خواستم تاثیرگذار باشم تا تاثیرپذیر.

آدم‌هایی رو می‌دیدم که بدون در نظر گرفتن وجدان و قانون میلیون‌ها دلار پول این کشور رو به باد دادن زدن به جیب. نمیدونم چه قدرتی داره این مملکت رو عقب می‌ندازه. من کلا آدم ترسویی نیستم از همون ۱۷ سالگی که بین کنکور عمومی و تخصصی نیم ساعت خوابیدم دیگه از هیچ چیزی نترسیده بودم، ولی تو این سال‌ها بحران برق و آب منو می‌ترسونه. این نیروی پلیدی که وظیفه‌ش نابودی این خاکه منو می‌ترسونه، هک شدن زیرساختا و نبود آدم‌های درست و متخصص منو می‌ترسونه، من از عمق نفهمی و تلاش برای نفهمیدن این مدیرها خسته شدم، من واقعا از تکرار تبدیل فرصت‌ها به تهدید خسته شدم، من نمی‌تونم به روزی فکر کنم که می‌تونستم آرزویی رو برای خودم برآورده کنم ولی چون موندم و نکردم برآورده نشده، من نباید شرمنده خودم باشم.

من بخشی از قسمت‌های زندگیم رو گفتم تا گله‌هام راحت‌تر درک بشه. برام مهم نیست کی چی یا چه‌جوری در مورد فکر می‌کنه چون حسابم با خودم یکی پاکه.

من ماینری رو به عنوان یه گره‌ی کوچیک توی این شبکه بزرگ دوست دارم.



Dongip

حسابداری شخصی و مدیریت مالی

Dongip.ir



خیلی وقت‌ها توی زندگی، یک حسابداری ساده و مرتب کردن حساب و کتاب‌ها میتونه از اتفاقات بد جلوگیری کنه و به سمت مدیریت هزینه‌ها و در نتیجه سود بیشتری ببره. اپلیکیشن دنگیپ یک نرم افزار حسابداری شخصی و مدیریت دخل و خرج هست که امکانات زیاد و کاربردی رو با یک فضای کاربری ساده فراهم کرده. علاوه بر مدیریت مالی فردی و حساب کتاب روزانه، میتونی برای مدیریت هزینه‌های خانواده و گروه دوستان هم استفاده کنی.

تازه این همه‌ی ماجرا نیست، نرم افزار مدیریت مالی دنگیپ میتونه برای شفاف سازی هزینه‌ها و مقدار طلب و بدهی در حساب‌ها، چه در هزینه‌های شخصی و چه در هزینه‌های گروهی، برای طرف حساب‌ها صورت حساب ارسال کنه. همینطور گزارش‌های مالی متفاوتی رو به صورت روزانه، ماهانه و سالانه در اختیار قرار بده. حساب‌های بانکی رو بخونه و برای چک، وام، قسط، قبض و هر حسابی که بخوای در زمانی که مشخص کردی بهت یادآوری کنه.

قابلیت‌های برنامه حسابداری شخصی دنگیپ:

- ساده کردن حسابداری شخصی و ثبت هزینه و درآمد با طراحی کاربردی
- مدیریت هزینه گروهی خانوادگی و دوستانه
- ارسال خودکار صورت حساب برای طرف حساب‌ها در هر تراکنش غیر شخصی
- اضافه کردن دسته بندی‌های مختلف برای مخارج روزانه و هزینه‌ها و امکان ویرایش آن‌ها
- بودجه بندی برای دسته بندی‌ها، گروه و یا اشخاص
- ثبت یادآور برای چک، وام و قبض‌ها
- یکپارچه سازی حساب‌ها با دوستان
- ذخیره سازی ابری و نگهداری همیشگی از اطلاعات
- مشاهده انواع گزارش ماهیانه و سالیانه و تحلیل هزینه و درآمد
- محاسبه خودکار طلب و بدهی هر شخص در یک تراکنش مشترک
- سرعت در حسابداری و ثبت دنگ



به این دلیل همه رفتارهای مالی در این بازار در نهایت از روی احساسات انسانی تصمیم‌گیری و اجرا می‌شود. در تمامی بازارها اعم از فارکس تا کریپتو، در بین معامله‌گران اصطلاح معروفی وجود دارد که می‌گوید: وقتی زیادی حریص شدند و به اوج خوشحالی رسیدند بفروش و وقتی ناامید شدند و ترسیدند بخر.

چگونگی فهمیدن چنین احساسات حاکم بر بازار نیازمند فعالیت در یکی از شبکه‌های اجتماعی توییتر یا گروه‌های تلگرامی است. می‌توان از نوع صحبت و رفتار مردم روی موضوعات پیرامون بازار که در جریان هست به نتایجی رسید. یک بخش از چرخه مارکت کریپتو ارتباط مستقیمی با چرخه بلندمدت بیتکوین که ۱۳ سال تمام تا به امروز روند صعودی بوده وجود دارد. مدلی که در نظر گرفته شده برای تکرار چرخه مارکت به نام Stock to Flow (انباشت به جریان) هست این مدل برای بیتکوین طراحی شده است.



مدل انباشت به جریان نمودار زمانی هست که باتوجه به نرخ تولید فعلی بیتکوین‌ها محاسبه می‌کند چند سال طول می‌کشد تا به موجودی امروز برسیم. باگذشت زمان هرچه قدر عدد بزرگتر باشد قیمت بیتکوین هم در بلندمدت بالاتر خواهد رفت.

چرخه‌های مارکت

صدرا / @sadra9_6_3



چرخه یا سیکل مارکت به چه معناست؟ آگاهی از چرخه‌های بازار یکی از مهم‌ترین ابزارها برای سنجش و دید کلی از وضعیت بازار را به ما نشان می‌دهد و معمولاً در اکثر بازارهای جهانی از آن استفاده می‌شود که موضوع ما تمرکز بر بازار کریپتوکارنسی خواهد بود.

برای آشنایی با دید کلی از وضعیتی که داریم نموداری به نام Psychological Cycle Market (چرخه روان‌شناسی بازار) وجود دارد.



همان‌طور که در تصویر مشاهده می‌کنید خطوط رنگارنگی وجود دارد که یک دور روند صعودی تا نقطه اوج Euphoria (رضایت‌مندی) را نشان می‌دهد و بعد روند نزولی آغاز تا یک بازه زمانی که پایین‌ترین نقطه Depression (افسردگی) نام دارد و همین چرخه دوباره وصل می‌شود به دنباله روند صعودی و دوباره تکرار می‌شود. آیا ابزاری مانند تربیدینگ ویو وجود دارد تا بفهمیم ما در کجای این چرخه از مارکت قرار داریم؟ خیر!

فرمول خودش را دارد که عدد دقیقی در دسترس ما نیست که بتوان سنجید استخراج معدن طلا در دنیا تا چه زمانی و چه تا مقدار معینی ادامه دارد. از روی رویداد هاوینگ و مدل لگاریتمی بیتکوین می‌توان به تکرار چرخه مارکت کریپتو رسید از این نظر که بیتکوین چرخه ۴ ساله دارد تقریباً ۲ سال روند نزولی با تثبیت و ۲ سال روند صعودی دارد. تکرار این چرخه علاوه بر بیتکوین با سایر رمزارزها (آلت‌کوین‌ها) نیز ارتباط دارد و بیشتر مواقع همبستگی قیمت وجود دارد.

این فرمول با تقسیم موجودی کل به تولید سالانه محاسبه می‌شود:
 $57 = 325800 / 18862462$ یعنی با نرخ تولید امروز ۵۷ سال طول می‌کشد تا به اندازه موجودی فعلی تولید شود.
 نکته مهم اینکه با رویداد هاوینگ نیز ارتباط مستقیمی دارد چرا که هر ۴ سال یک بار شاهد نصف شدن پاداش استخراج کنندگان (ماینها) خواهیم بود و این عملی هست برای ضد تورمی شدن دارایی، بر خلاف طلا که هاوینگ ندارد اما این دارایی نیز با مدل انباشت به جریان



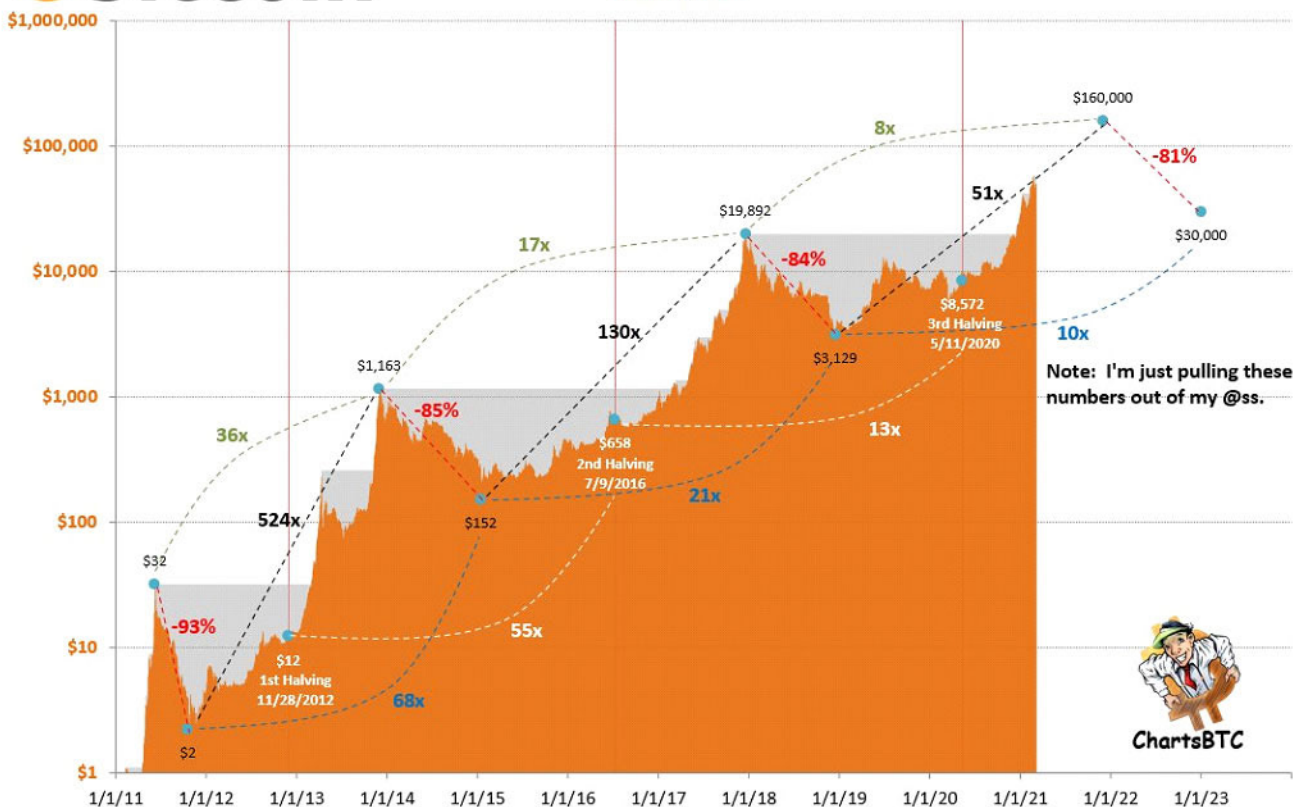
اگر مروری بر چرخه ۲۰۱۷ داشته باشیم بیتکوین بعد از رویداد هاوینگ ۲۰۱۶، در بازه‌ای زمانی به طول ۱ الی ۱/۵ سال روند پارابولیک صعودی انجام شده و بعد از ثبت آخرین اوج در دسامبر ۲۰۱۷ اصلاح بلندمدت حداقل ۱ سال به طول انجامید. حد ریزشی که در این مدت انجام داد حدود ۸۰٪ الی ۸۵٪ بوده که کف جدید در دسامبر ۲۰۱۸ ایجاد شد و از آن نقطه دوباره با نزدیک شدن به سومین هاوینگ در سال ۲۰۲۰ روند پارابولیک جدیدی را شروع کرده و حال حاضر هم ادامه دارد و احتمالاً تا پایان سال جاری میلادی و در نهایت حداکثرها ۳ ماه اول ۲۰۲۲ این موج از چرخه مارکت کریپتو باقیمت‌های مختلف پیش‌بینی شده چیزی بین ۱۵۰/۰۰۰ الی ۳۰۰/۰۰۰ دلار به پایان خواهد رسید.



BITCOIN PRICE HISTORY (LOG SCALE)

March 4, 2021

چرخه‌های مارکت



اگر سناریو طبق الگوی ۲۰۱۷ و ۲۰۱۳ که مشابه این بوده عمل کند کف جدید بیتکوین اوایل ۲۰۲۳ قیمتی در حدود ۵۰/۰۰۰ الی ۴۰/۰۰۰ دلار را دوباره خواهد دید. بحثی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه در این چرخه از مارکت ورود مؤسسات مالی بزرگ و همچنین دولت‌ها باعث می‌شود معادلات چرخه از بین برود و ممکن است آن اصلاح مدنظر تکرار نشود. با این حال تا به امروز فعلاً مدرک یا داده‌ای قاطع و هدفمند وجود ندارد تا ثابت کند چرخه مارکت کریپتوکارنسی به طور کلی تغییر کرده باشد. البته در بازه زمانی تغییراتی وجود خواهد داشت و خیلی محتمل هست اینکه دوران صعود و نزول در بازار چند هفته یا چند ماه جلوتر و یا عقب‌تر بیفتد اما اگر به حالت کلی چرخه مارکت از دید بلندمدت نگاه کنیم، مشاهده کنیم روند تغییری نکرده است.

تقسیم‌بندی NFTها مفهوم جدیدی در فضای دارایی‌های دیجیتال به وجود آورده است و به احتمال زیاد این نوآوری معماری، زیربنایی توکن‌های غیر قابل تعویض را متحول می‌کند و افق‌های جدیدی برای بازار دارایی‌های دیجیتال باز کند تا افراد بیشتری امکان سرمایه‌گذاری داشته باشند.

فرایند fractionalization به این شکل است که اول دارایی در یک اسمارت کانترکت قفل می‌شود. در مرحله بعد این قرارداد هوشمند که یک دائو است در ازای ERC721- NFT تعداد مشخصی توکن ERC-20 می‌سازد که با این کار تقسیم NFT در عمل اتفاق می‌افتد و هر توکن ساخته‌شده ارزشی معادل ارزش بخشی از آن NFT را دارد.

هر توکن هولدر مالک کسری از NFT است، در واقع درصدی از دارایی اصلی ERC-721 برابر با ارزش توکن‌هایی ERC-20 که در اختیار داده، تقسیم بر تعداد کل ERC-20ها. ERC-20ها معمولاً با قیمت ثابت برای یک دوره زمانی خاص یا تا زمانی که به طور کامل فروخته بشوند، برای فروش قرار می‌گیرند.

تقسیم‌بندی NFT می‌تواند مزایای زیادی داشته باشد که مالک یک NFT را مجاب کند تا دارایی خودش را خرد کند. اما می‌شود سه مزیت عمده برای fractionalization NFT نام برد:

کشف قیمت، رفع مشکل کمبود نقدینگی و دموکراتیک کردن سرمایه‌گذاری.

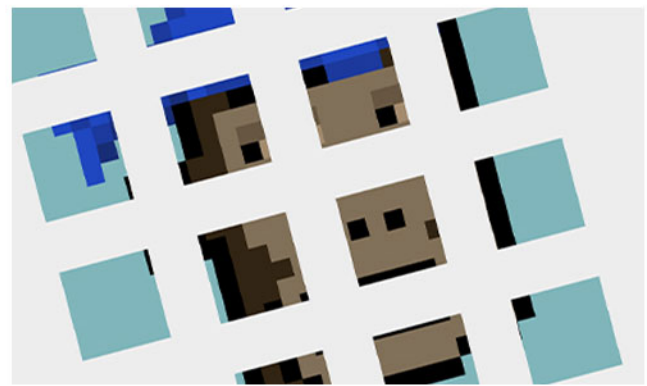
کشف قیمت: یکی از مهم‌ترین مزایای F-NFTها است که می‌تواند برای ارزیابی سریع ارزش NFT کمک کند. اگر برای اثر هنری دیجیتال خود نیاز به درک ارزش واقعی آن در بازار دارید، تنها کاری که باید انجام بدهید این است که خردش کنید و ۱۰ تا ۲۰ درصد آن را در بازار بفروشید.

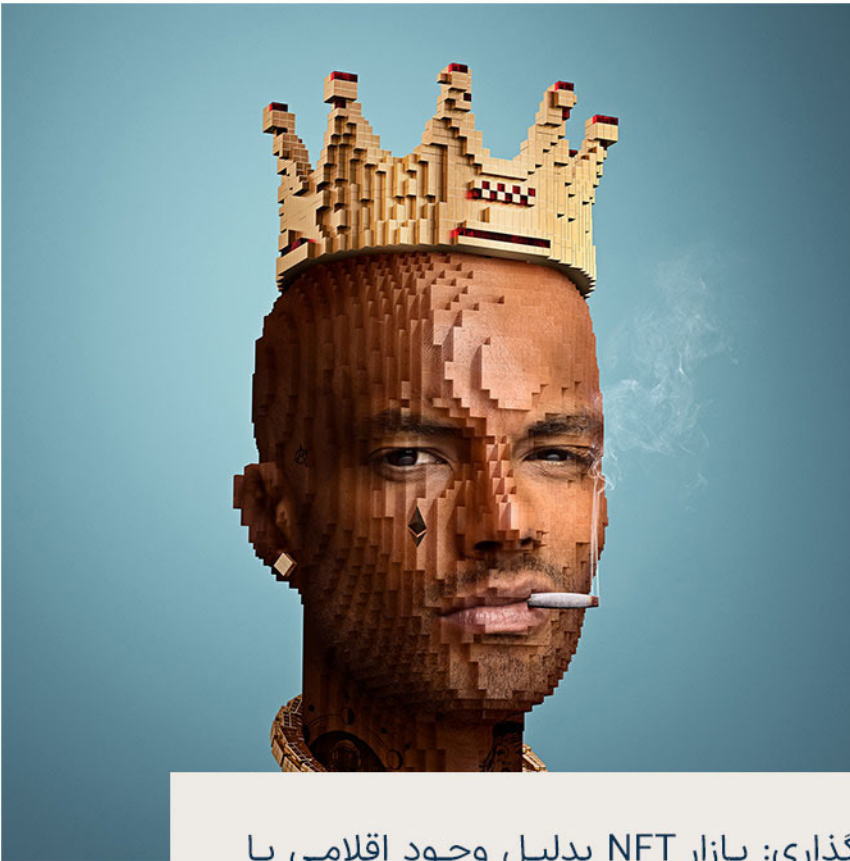
مالکیت اشتراکی NFT

وحید / @vahidkm86



این NFT که در تصویر بالا می‌بینید شاید گران‌ترین کریپتوپانک نباشد اما از مهم‌ترین‌ها است. دلیل اهمیت این زامبی که به قیمت ۱۱۴۴ اتریوم فروخته شده، خریداری شدن توسط یک گروه ۴۷۸ نفره است. تقسیم ناپذیری، تخریب ناپذیری و مالکیت مطلق از خصوصیات NFTها است؛ اما با وجود دائو‌هایی مثل فلامینگو این امکان وجود دارد که گروهی از سرمایه گذارها بدون اینکه حتی همدیگر را بشناسند یک NFT با ارزش را با مجموع سرمایه‌های خرد خریداری کنند. این مالکیت اشتراکی با Fractionalized NFT یا توکن‌های غیرمثلی تقسیم شده امکان پذیر هست. به این صورت که توکن غیرقابل معاوضه‌ی ERC-721 توکن‌های قابل معاوضه‌ی ERC-20 به نسبت درصد سرمایه‌گذاری توزیع می‌کند.





دموکراتیک کردن سرمایه‌گذاری: بازار NFT بدلیل وجود اقلامی با قیمت‌های بالا، که تنها تعداد کمی از سرمایه‌گذارهای بزرگ قدرت خرید این دارایی‌ها را دارند، تا حد زیادی مانع ورود سرمایه‌گذارهای خرد و متوسط به حراج‌های NFT شده است. از این‌رو NFT های تقسیم شده فضای عمومی‌تری ایجاد کرده و فرصت‌های بیشتری را برای سرمایه‌گذارهای خرد و متوسط در بازار NFT باز کردند که قبلاً منحصر به مجموعه کوچکی از افراد بود.

F-NFT ها در بخش‌های مختلفی از جمله هنر، گیم، کالکتیبل، دارایی‌های خاص، دامین‌ها و موزیک و... تاثیرات مثبتی خواهد گذاشت.

و در پایان برای سرمایه‌گذاری بر روی F-NFT ها باید از قرارداد هوشمندی استفاده کنیم که دائو سالم و بدون خطا داشته باشد. به‌عنوان مثال اگر Treshold (ترشهولد یا حدآستانه به درصدی از کل گفته میشود که به دائو برای رای‌گیری هویت قانونی می‌بخشد) بالایی داشته باشد ممکن هست سرمایه‌گذاری با درصد سهم بالا وجود داشته باشد که اگر حذف شود میزان رای در دائو هیچ‌زمان به حدنصاب نرسد و دارایی برای همیشه قفل شود و در حالتی که ترشهولد پایین باشد رای سرمایه‌گذاری که درصدی برابر یا بیشتر از ترشهولد داشته باشد می‌تواند به‌جای رای همه اعمال شود.



مردم معمولاً از آنچه باعث می‌شود فردی به‌جای سرمایه‌گذار (Investor) یک معامله‌گر (Trader) باشد تعجب می‌کنند. این تمایز اغلب واضح نیست زیرا رفتار بسیاری از افرادی که خود را سرمایه‌گذار می‌نامند در واقع همانند معامله‌گران است.

سرمایه‌گذاران افرادی هستند که برای نگهداری در بلندمدت خرید می‌کنند؛ با این ایده که در مدت‌زمان قابل‌توجه (چندین سال) سرمایه‌گذاری ایشان ارزشمند خواهد شد. آن‌ها چیزهای واقعی را می‌خرند. "وارن بافت" یک سرمایه‌گذار است. وی به‌جای سهام، شرکت‌ها را خریداری می‌کند: خود شرکت با تیم مدیریتی، محصولات و سهم بازار شرکت. "وارن بافت" اهمیتی نمی‌دهد که ممکن است بازار سهام، قیمت "صحیح" شرکت‌ها را منعکس نکند. در واقع وی برای به‌دست‌آوردن پول به بازار اعتماد می‌کند. وی زمانی شرکت‌ها را خریداری می‌کند که ارزش آنها را بالاتر از قیمت بازار سهام می‌داند و شرکت‌ها را می‌فروشد زمانی که ارزش آن‌ها را پایین‌تر از قیمت بازار سهام می‌داند. او با این کار درآمد زیادی کسب می‌کند زیرا در این کار بسیار ماهر است.



شرکت‌ها همچنین می‌توانند قراردادهایی را خریداری کنند تا خود را در برابر افزایش قیمت مواد اولیه مانند نفت، مس و آلومینیوم در آینده محافظت کنند.

عمل خرید یا فروش قراردادهای آتی برای تعدیل ریسک‌های تجاری ناشی از تغییرات قیمت مواد خام یا نوسانات نرخ تبادل ارزهای خارجی با عنوان معاملات تأمینی (Hedging) شناخته می‌شود. معاملات تأمینی صحیح می‌تواند برای شرکت‌هایی که نسبت به هزینه مواد خام مانند نفت حساس هستند تفاوت فاحشی ایجاد کند. به‌عنوان مثال صنعت هوایی نسبت به هزینه سوخت هواپیما که با قیمت نفت گره‌خورده است بسیار حساس است. با افزایش قیمت نفت سود کاهش می‌یابد مگر اینکه قیمت بلیط افزایش یابد. افزایش قیمت بلیط ممکن است فروش بلیط و در نتیجه سود را کاهش دهد. از طرفی ثابت نگه‌داشتن قیمت بلیط هم با افزایش هزینه‌ها به دلیل افزایش قیمت نفت سود را کاهش می‌دهد.

معامله‌گران چیزهای فیزیکی مانند شرکت‌ها را خریداری نمی‌کنند. آنها غلات، طلا یا نقره خریداری نمی‌کنند. آنها سهام (Stocks)، قراردادهای آتی (Futures Contracts) و اختیار معاملات (Options) را خریداری می‌کنند. آن‌ها خیلی به کیفیت تیم مدیریت، چشم انداز مصرف نفت یا تولید جهانی قهوه اهمیت نمی‌دهند. معامله‌گران به قیمت اهمیت می‌دهند؛ اساساً آن‌ها ریسک را خرید و فروش می‌کنند.

پیتر برنشتاین در کتاب آموزنده و جذاب خود در برابر خدایان: داستان خارق‌العاده ریسک درباره اینکه چطور بازار برای انتقال ریسک از یک طرف به طرف دیگر ایجاد شده بحث می‌کند. در حقیقت دلیل ایجاد بازارهای مالی و اینکه هنوز کاربرد دارند همین موضوع است. در بازارهای مدرن امروزی شرکت‌ها می‌توانند قراردادهای آتی ارزها را خریداری کنند که تجارت آنها را در برابر تأثیر نوسانات قیمت ارز مرتبط با تأمین‌کنندگان خارجی‌شان ایمن می‌سازد.



راه حل این است که در بازار نفت معاملات تأمینی انجام شود. خطوط هوایی "ساوت وست" سالها بود که این کار را انجام می‌داد و وقتی قیمت نفت از ۲۵ دلار در هر بشکه به بیش از ۶۰ دلار رسید هزینه های آنها افزایش چشمگیری پیدا نکرد. در حقیقت آن قدر خوب معاملات تأمینی صورت گرفته بود که حتی سالها پس از افزایش قیمت، ۸۵ درصد از نفت خود را با قیمت ۲۶ دلار در هر

بشکه دریافت می‌کردند. تصادفی نیست که این خطوط هوایی یکی از سودآورترین خطوط هوایی طی چند سال گذشته بوده است. مدیران "ساوت وست" متوجه شدند که تجارت آنها پرواز مردم از جایی به جای دیگر است نه اینکه نگران قیمت نفت باشند. آنها از بازارهای مالی برای مقاومسازی تراز مالی خود در برابر اثر نوسانات قیمت نفت استفاده کردند. آنها باهوش بودند. چه کسی قراردادهای آتی را به شرکت‌هایی مانند "ساوت وست" که می‌خواهند ریسک تجارت خود را تعدیل کنند می‌فروشد؟ معامله‌گران.

معامله‌گران ریسک را معامله می‌کنند معامله‌گران با ریسک سروکار دارند. انواع مختلفی از ریسک وجود دارد و برای هر نوع ریسک یک نوع معامله‌گر وجود دارد. به جهت ساده‌سازی همه دسته های کوچکتر ریسک را به دو گروه عمده تقسیم می‌کنیم: ریسک نقدشوندگی و ریسک قیمت.

بسیاری از معامله‌گران (شاید اکثر آنها) معامله‌گر بسیار کوتاه‌مدت هستند که همراه با آنچه ریسک نقدشوندگی (Liquidity)

فرض کنید می‌خواهید سهام XYZ را بخرید و XYZ آخرین بار با قیمت ۲۸/۵۰ دلار معامله شده است. اگر به دنبال قیمت برای XYZ باشید دو قیمت خواهید دید: قیمت پیشنهادی (Bid) و قیمت درخواستی (Ask). در این مثال بگذارید بگوییم شما برای XYZ قیمت پیشنهادی ۲۸/۵۰ دلار و قیمت درخواستی ۲۸/۵۵ دلار را خواهید یافت.

بسیاری از معامله‌گران (شاید اکثر آنها) معامله‌گر بسیار کوتاه‌مدت هستند که همراه با آنچه ریسک نقدشوندگی (Liquidity)

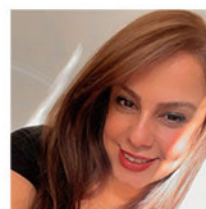


این قیمت گذاری نشان می‌دهد که اگر بخواهید خرید کنید باید ۲۸/۵۵ دلار بپردازید اما اگر می‌خواهید بفروشید فقط ۲۸/۵۰ دلار برای سهام XYZ خود دریافت می‌کنید. تفاوت این دو قیمت با نام اسپرد (Spread) یا دامنه قیمت شناخته می‌شود. از معامله‌گرانی که با ریسک نقدشوندگی معامله می‌کنند غالباً با عنوان اسکالپزن (Scalper) یا بازارساز (Market Maker) یاد می‌شود. آنها سود خود را به واسطه دامنه قیمت بدست می‌آورند.

گونه‌ای از این نوع معاملات، آربیتراژ (Arbitrage) نامیده می‌شود. این روش مستلزم معامله نقدشوندگی یک بازار در مقابل نقدشوندگی بازار دیگر است. معامله‌گران آربیتراژ ممکن است نفت خام را در لندن خرید کنند و هم‌زمان در نیویورک بفروشند یا ممکن است یک سبد سهام خرید کنند و شاخص‌های آتی مشابه با آن سبد سهام را بفروشند.

ریسک قیمت به این احتمال اشاره دارد که قیمت‌ها به طور قابل‌توجهی بالا یا پایین بروند. یک کشاورز نگران افزایش قیمت نفت خواهد بود زیرا هزینه کود و سوخت تراکتور افزایش می‌یابد. کشاورزان همچنین نگران‌اند که ممکن است قیمت محصولاتشان (گندم، ذرت، دانه‌های سویا و غیره) به قدری پایین بیاید که در هنگام فروش محصولات خود سودی کسب نکنند. مدیریت خطوط هوایی نگران این است که بهای نفت افزایش یابد و یا نرخ بهره بالا برود و این امر باعث افزایش هزینه‌های مالی هواپیما شود.

معامله‌گران تأمینی برای خلاص شدن از ریسک قیمت روی انتقال آن به معامله‌گرانی که با ریسک قیمت سروکار دارند تمرکز می‌کنند. معامله‌گرانی که سوار بر ریسک قیمت می‌شوند با عنوان سفته‌باز (Speculator) یا معامله‌گر بلندمدت (Position Trader) شناخته می‌شوند. سفته‌بازان با خرید و سپس فروش در صورت بالا رفتن قیمت (آنچه با عنوان لانگ (Long) یا معامله رو به بالا شناخته می‌شود) و یا ابتدا فروش و سپس خرید در قیمت پایین‌تر (آنچه شورت (Short) یا معامله رو به پایین نامیده می‌شود) درآمد کسب می‌کنند.



مواردی که جنبه عمومی برای بررسی دارند.

۱- مارکت کپ یا ارزش کل بازار:
معادل است با مقدار کل سرمایه در حال
گردش آن ارز بر حسب دلار که به صورت زیر
محاسبه می‌شود:

ارزش کل بازار = تعداد کل سکه‌های در
گردش \times قیمت یک واحد از ارز

۲- حجم معاملات:

یکی از پارامترهای بسیار مهمی که در تحلیل
فاندامنتال یک پروژه حتماً باید آن را بررسی
کرد، میزان حجم معاملات یک ارز در مدت ۲۴
ساعت یا یک شبانه‌روز است. حجم
معاملات ۲۴ ساعته مقدار توکن‌هایی که در این
مدت خرید و فروش شده‌اند را نشان می‌دهد.
حتماً باید توجه داشت که برای بررسی این
پارامتر از قسمت historical data به حجم
معاملات در یک ماه اخیر دسترسی پیدا کرده

تحلیل فاندامنتال علم ارزیابی متغیرهای
اقتصادی، مالی و دیگر موارد تغییرپذیر درباره
یک دارایی است که باعث می‌شود بتوان
ارزش حقیقی فعلی و احتمالی یک پروژه را در
آینده تعیین کرد.

واژه فاندامنتال به معنای بنیادین است و
همان‌طور که از اسمش پیداست یعنی بررسی
عواملی که به طور بنیادین بر قیمت آنچه که
شما خرید و فروش یا به اصطلاح ترید می
کنید اثر می‌گذارد. هدف از این مقاله
شناخت موارد مؤثر در تحلیل فاندامنتال و
کاربرد آن در سرمایه‌گذاری‌ها است.

بعد از شناخت ابتدایی کریپتو و رمز ارزها و
همچنین تعیین هدف‌گذاری در سرمایه
گذاری شخصی (بلندمدت، میان‌مدت، کوتاه
مدت) می‌توان به بررسی عوامل مؤثر در
تحلیل فاندامنتال پرداخت که برای شناخت
و اطلاعات اولیه در حوزه کریپتو می‌توانید به
سایت [investopedia.com](https://www.investopedia.com) مراجعه کنید.

و حجم معاملات مربوط به یک ماه اخیر مورد بررسی قرار گیرد.

- ۱- بازگشت سرمایه یا (Return on Investment): ROI به معنی نرخ پول به دست آمده نسبت به پول سرمایه‌گذاری شده است.
- ۲- بالاترین سقف قیمت و پایین‌ترین کف قیمت
- ۳- رتبه ارز در مارکت (بر اساس مارکت کپ)
- ۴- صرافی‌هایی که ارز موردنظر در آنها قابل معامله است
- ۵- کیف پول‌های معتبر ارز

برای جستجو در خصوص پیدا کردن اطلاعات بالا می‌توانید از سایت‌های coin gecko و coinmarketcap استفاده کنید.

مواردی که از لحاظ جنبه‌های کیفی قابل بررسی می‌باشد به شرح زیر است:

۱- توکنومیک:

توکنومیک یا اقتصاد توکنی که یکی از معیارهای مهم در تحلیل فانداملنتال به شمار می‌آید. این موضوع برای درک ویژگی‌های عرضه و تقاضای ارز دیجیتال است توکنومیک به زبان ساده‌تر، به معنای مقداری از ارز، کوین یا توکنی است که وجود دارد و همچنین نحوه عرضه کردن ارز (کوین، توکن). یا (ico,ido,ieo,sto) و زمان عرضه کل ارز که در وایت پیپر به آن اشاره شده است.

۲- بررسی کلی پروژه:

بهتر است برای این مورد، از تاریخچه پروژه، اطلاعات کافی به دست بیاورید برای مثال پروژه‌ای دارای یک سابقه طولانی در ارائه تکنولوژی است، می‌توان این سابقه را یک نکته مثبت در پروژه دانست و همین‌طور می‌توان به کسب اطلاعات کامل از تکنولوژی پروژه (نوع بلاک‌چین، الگوریتم اجماع، فناوری، زبان برنامه‌نویسی ...) نیز پرداخت.

۳- تیم:

یکی از موارد مهم هر پروژه وجود افراد با سابقه در یک تیم است. وجود افراد با سابقه به‌ویژه در گروه توسعه‌دهندگان و برنامه‌نویسان یک تیم، می‌تواند احتمال موفقیت پروژه را بالا ببرد.

علاوه بر اعضای تیم، وجود افراد تأثیرگذار و سرمایه‌گذاران مشهور به‌عنوان مشاور در کنار تیم پروژه می‌تواند علاوه بر کمک به جذب سرمایه‌گذاران بیشتر، با وجود تجربه این افراد، به توسعه بهتر این پروژه‌ها کمک کند.

۴- رودمپ:

رودمپ یا همان نقشه راه یعنی مشاهده و مطالعه همه ابعاد ممکن انجام یک کار با همه جزئیات، به‌نحوی که برای همه سؤالات (حتی سؤالات کم اهمیت و جزئی) پاسخی منطقی ارائه شود و اهداف پیش‌بینی شده پروژه محقق گردد.

نحوه بررسی فاندamental پروژه‌ها

۵- رقبا:

بررسی رقبای پروژه می‌تواند به ما کمک کند بتوانیم تشخیص دهیم از میان پروژه‌هایی که با تکنولوژی‌ها و کاربردهای مشابه هستند، کدامیک در طولانی‌مدت ماندگار می‌شوند و به‌عنوان بهترین پلتفرم آن حوزه به کار خود ادامه خواهند داد.

۶- شرکا:

پیمان همکاری پروژه‌ها با شرکت‌های بزرگ و مشهور می‌تواند تأثیر بسیار مثبتی هم به‌صورت کوتاه‌مدت و هم بلندمدت داشته باشد.

۷- اهمیت و کاربرد:

کاربرد پروژه باید هوشمندانه و نوآورانه باشد و همچنین به اقتضای نیاز و زمان به‌روزرسانی شود.

هر چه میزان حل مشکل خاصی توسط پروژه بالا باشد ارزش آن پروژه نیز بالا می‌رود.

۸- شبکه‌های اجتماعی مربوط به پروژه ای که بررسی می‌کنیم و میزان فعالیت:

با بررسی گروه اصلی پروژه و گروه‌های طرفدار در شبکه‌های اجتماعی مثل توئیتر، ردیت و تلگرام می‌توان به پاسخ‌های داده شده توسط تیم سازنده نسبت به سؤالات موجود که نسبت به پروژه به وجود آمده‌اند، مطلع شد.

۹- وبسایت‌های معتبر و رسمی پروژه:

هر پروژه دارای یک وبسایت است که می‌توان از طریق صفحه مربوط به آن پروژه در [COINMARKETCAP.COM](https://www.coinmarketcap.com) در بخش WEBSITE به آن مراجعه نمود و با بررسی وبسایت پروژه و وایت پیپر آن به اهداف کلی، تکنولوژی، شرکا، رقبا، تیم سازنده، رودمپ و.. دست پیدا کرد.

۱۰- اخبار:

بررسی اخبار مهم و معتبر و همچنین رویدادهای پیش‌رو و گذشته که می‌تواند با توجه به اهمیت رویدادها جهش‌های قیمتی را به‌احتمال شاهد بود. می‌تواند با بررسی صاحب‌نظران و مطبوعاتی که در این حوزه فعالیت دارند به این مسائل پی برد. برای دریافت اخبار می‌توان به برخی سایت‌ها همچون:

[COINMARKETCAL.COM](https://www.coinmarketcal.com)

[COINDESK.COM](https://www.coindesk.com)

[COINTELEGRAPH.COM](https://www.coingecko.com) اشاره کرد.

نتیجه‌گیری:

در پایان باید توجه کرد که در بازارهای سرمایه و همین‌طور کریپتو علاوه بر تحلیل فاندamental، باید به دیگر تحلیل‌ها (تکنیکال و سنتیمنتال) نیز توجه نمود چرا که هرکدام از نوع تحلیل‌ها از جایگاه خاص خود برخوردارند.

برای شروع یادگیری و پیشبرد یادگیری‌ها در تحلیل فاندamental به‌صورت اصولی می‌توانید طبق آموزش‌های داده شده در هر قسمت حرکت کنید و رفته‌رفته با کسب تجربه و آموزش‌های تخصصی‌تر به یک تحلیل‌گر حرفه‌ای در بخش فاندamental تبدیل شوید.





موارد یک سری هزینه‌های اجرایی نیز به آن‌ها تحمیل می‌شوند از جمله مالیات زمین و سوخت.

پالایشگرها

به مواد اولیه نیاز دارند که با پرداخت Atlas از استخراج خریداری می‌کنند. برای انجام عملیات پالایش به ساختمانی نیاز دارند. مواد خام را از استخراج‌کنندگان دریافت و مواد پالایش شده تولید می‌کنند و به تولیدکنندگان می‌فروشند.

دسته اول؛ تولیدکنندگان

به چه چیزهایی نیاز دارند: ۱- به مواد پالایش شده؛ ۲- دستورالعمل؛ ۳- روش تولید هر محصول و ۴- ساختمان و زمین نیاز چه چیزهایی تولید می‌کنند: اسلحه‌ها، رادار و تجهیزات فضاپیماها

در ابتدای بازی یک سری دستورالعمل به صورت رایگان در اختیار تمام نژادها و تولیدکنندگان قرار می‌گیرد. اما برای تولید تجهیزات پیشرفته‌تر تولیدکنندگان به سراغ محققین و دانشمندان می‌روند و با پرداخت مبلغی در قالب توکن Atlas دستورالعمل تولید را خریداری می‌کنند.

برای شروع بازی باید ابتدا نژاد یا فکشن خود را انتخاب کنید که در قسمت دوم کامل به آن پرداختیم.

سپس باید نقش خود را در بازی انتخاب کنید که در این قسمت به آن می‌پردازیم. با توجه به نقشی که انتخاب می‌کنید باید Asset مورد نیاز و مرتبط با آن را خریداری کنید. نقش‌ها نیازمندی‌ها و وابستگی‌ها دارند که موجب ایجاد یک گردش مالی پویا و یک اقتصاد کامل می‌شود.

۹ نقش کلیدی توسط طراحان بازی تعریف شده که می‌توان همه آن‌ها را به دودسته کلی تقسیم‌بندی کرد: دسته تولیدکنندگان و دسته خلبان‌ها.

استخراج‌کننده

اولین و یکی از حیاتی‌ترین نقش‌ها استخراج‌کنندگان هستند. در قسمت دوم که نژادها را توضیح دادیم گفتیم هر نژاد به دسته‌ای از مواد خام بیشتر دسترسی دارند. این مواد خام توسط استخراج‌کنندگان خارج و به دست پالایشگرها می‌رسد.

استخراج‌کنندگان برای استخراج مواد خام به ساختمان استخراج، زمین، پاور و سوخت نیاز دارند. زمین و ساختمان را باید با پرداخت توکن Atlas خریداری کنند. به جز

محققین

پاداش بردن تورنومنتا اطلس خواهد بود و یک چیزی هم از حریف گرفته می‌شود و به برنده داده می‌شود. از درآمد می‌توانند برای تعمیر فضاپیما یا ارتقا آن یا حتی ارتقا مهارت‌های خود استفاده کنند.

در اکتشافات در عمق فضا PVP فایت اتفاق می‌افتد در نتیجه اکتشاف‌کنندگان و جنگجویان ریسک آن را خواهند داشت که تمام دارایی‌ها و منابع به دست آورده شده از اکتشاف را از دست بدهند در عوض جایزه این نوع جنگ‌ها زیباست. به همین جهت اکتشاف‌کنندگان باید به وسیله جنگجویان اسکورت شوند.

نقش بعدی خرده‌فروش‌ها و واسطه‌ها هستند که می‌توانند به دادوستد تمام تجهیزات و امکانات بازی بپردازند، از شما بخرند به دیگری بفروشند و یا از شما بخرند، ارتقا دهند و به دیگری بفروشند.

نقش‌ها به همین موارد محدود نمی‌شود تیم بازی در حال توسعه نقش‌های بیشتری هستند. نیمی از تیم پروژه وظیفه طراحی اقتصاد درون بازی را دارند.



به ابزاری به نام crafting rig نیاز دارند تا بتوانند به دستورات عمل‌های جدیدی دست پیدا کنند و در نهایت با فروش آن به تولیدکنندگان امکان ساخت تجهیزات پیشرفته‌تر را برای تولیدکنندگان فراهم کنند.

دسته دوم؛ خلبان‌ها فعالیت‌های خلبان‌ها به دودسته کاوشگری و جنگجویی تقسیم می‌شود.

اکتشاف‌گران: نقش‌های مربوط به exploring به جنگجویان و تولیدکننده‌های وابسته هستند تا ریسک ماجراجوی‌شان کم شود و در نهایت این فرصت را به دست بیاورند تا منابع جدید کشف کنند. اکتشاف از پیچیده ترین قسمت‌های بازی خواهد بود که به استفاده از فضاپیماها و تکنولوژی‌های مدرن وابسته است. کاوش‌گران شکارچیان بازی خواهند بود که با منابع به دست آورده شده از اکتشافات و فروش آن به ماینرها و تولیدکنندگان به پیشرفت تولید و دستیابی به تکنولوژی‌ها و مواد جدید کمک می‌کنند. کاوشگرها می‌توانند اسکیل‌های خود را ارتقا دهند تا صدمه وارده به فضاپیما کمتر شود و بازدهی کشف منابع بیشتر شود.

جنگجویان: جنگجویان به تولیدکنندگان برای رسیدن به مزیت‌های جنگی وابسته هستند. پاداش بردن نبردها می‌تواند دستیابی به مواد کمیاب یا تکنولوژی خاص باشد همچنین محدوده تحت سلطه فرقه برنده را گسترش دهد.

یک جنگجو می‌تواند هزینه ورودی یک مسابقه را پرداخت کند و وارد مبارزه شود یا دل به عمق فضا بزند و بجنگد (احتمالاً تانوس و دارودسته اونجان).



GRIZZLY'S MONDAYS

November 8 / 2021

NFT
هفته



The Beginnings of an Exhaustion by Jake Nordstrum